

تنبیه بدنی دانش آموز کلاس اولی محرز شد

برخورد بدون اغماض با معلم خاطی

گروه حوادث/ کاسران علمدهی- با گذشت یک هفته از ماجرای تنبیه دانش آموز کلاس اول مدرسه روستای ریزه وند بولی ایلام با ورود دادستان استان به این پرونده کارشناسان اعزامی آموزش و پرورش به محل حادثه وقوع تنبیه بدنی را تأیید کردند.

■ **شکایت پدر**

پدر این دانش آموز که چوپان است در تشریح ماجرا گفت: هفته گذشته وقتی به خانه برگشتم متوجه شدم همسرم در حال گریه کردن است، او گفت پسرم ابوالفضل از سوی معلمش مورد ضرب و شتم قرار گرفته و بدنش کبود شده است. با دیدن کبودی و تورم دست و بدن پسرم به حدی ناراحت شدم که آرزوی مرگ کردم. پسرم گفته که معلم روی دستش آب ریخته و بعد او را تنبیه کرده است. روز بعد با مراجعه به پاسگاه از معلم فرزندم شکایت کردم و سپس به آموزش و پرورش شهرستان چوار رفتم و آنجا هم علیه او طرح شکایت کردم. به رئیس آموزش و پرورش هم گفتم معلم حق تنبیه دارد اما شکجه خیر.

شرایط دانش آموز را به دادستانی استان و رئیس دادگاه چوار تقدیم کنند.

■ **احراز تنبیه از سوی معلم**

حامد رجبی زاده رئیس اداره اطلاع رسانی و روابط عمومی آموزش و پرورش استان ایلام به «ایران» گفت: پس از اطلاع از ماجرا تحقیقات خودمان را از گفت‌وگو با دانش آموز و

تعرض به ۷ زن راننده

در حاشیه اتوبان هلی تهران

گروه حوادث/ مرد شرور که

متهم است با همدستی دوستش به ۷ زن در حاشیه بزرگراه‌های تهران تعرض کرده در نخستین جلسه دادگاه به دفاع از خود پرداخت.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از اواخر سال ۹۸ و با شکایتهای

سریالی چند زن و دختر جوان مبنی بر آزار وادیت از سوی دو مرد موتورسوار آغاز شد.

همه شاکي‌ها در تحقیقات پلیسی مدعی شدند در حالی

که تنها سوار بر خودروهایشان در حال رانندگی در بزرگراه‌های شلوغ تهران بودند دو موتورسوار به بهانه‌ای خودروی آنها را متوقف کرده و پس از پیاده کردن آنها در فضای سبز حاشیه بزرگراه به آنها تعرض کرده‌اند.

بررسی‌های پلیسی نشان می‌داد قربانیان این حادثهٔ زنانی بودند که یا به تازگی رانندگی یاد گرفته یاخودروخریده بودند اما از آنجا که پلاک موتورسیکلت متهمان مخدوش بوده آنها نتوانستند پلاک موتورسیکلت را ببینند به‌همین خاطر پلیس برای شناسایی و ردیابی متهمان به بن‌بست رسید با این‌حال کارآگاهان پلیس اداره آگاهی با به کارگیری گشت‌های

است. من هم خیلی ترسیدم و کنار گاردریل توقف کردم اما به محض اینکه ایستادم آنها به من گفتند از ماشین دور شوم و از من خواستند به فضای سبز کنار اتوبان بروم من هم که ترسیده بودم به سمت فضای سبز رفتم اما این دو موتورسوار به سراغم آمدند و قصد تجاوز به من را داشتند که آنقدر از خودم مقاومت نشان دادم و داد و فریاد کردم که دو رهگذر متوجه شدند و به کمکم آمدند و یکی از متهمان را دستگیر کردند. یکی دیگر از شاکي‌ها نیز گفت: مدتی قبل یک ماشین شخصی خریدم تا با ماشین به محل کارم رفت وآمد کنم. آخرین روزهای سال ۹۸ بود و خیابان‌ها بسیار شلوغ؛ من از سر کار بر می‌گشتم و در اتوبان همت بودم که دو موتورسوار به من نزدیک شدند و گفتند ماشینم دود می‌کند و آتش گرفته است. من هم خیلی ترسیدم آنها با هدایت دست من را به سمت گاردریل هدایت کردند تا کمک کنند اما وقتی از ماشین پیاده شدم گفتند به فضای سبز برو چون ممکن است ماشین منفجر شود اما وقتی وارد محوطه حاشیه اتوبان در حال رانندگی بودم که دو قرار دادند و قرار کردند. من خودم را به سختی به کلانتری رساندم و

دستگیری قاتل کارگرمیدان تره بار

گروه حوادث/ پسر جوان که کارگر میدان میوه و تره‌بار را در دفاع از دوستش به‌قتل رسانده بود، در خانه‌اش دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۲ شب یکشنبه ۲۱ شهریور مأموران کلانتری ۱۴۴ جوادیه تهرانپارس در تماس با بازپرس محمد حسن زارعی، از مرگ پسر جوانی در بیمارستان خبر دادند.

■ پنجشنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۰

■ سال بیست و هفتم

■ شماره ۷۷۷۰

به دادستانی استان ایلام ارسال می‌شود تا با معلم خاطی برخورد لازم و قانونی صورت گیرد.

■ **بررسی برای تأیید کودک آزاری**

زهرآ همنی مدیرکل بهزیستی استان ایلام درباره روند رسیدگی به پرونده این دانش آموز به «ایران»، گفت: پس از اطلاع از موضوع و دستور دادستانی استان همکاران برای تهیه گزارشی جامع از اتفاق رخ داده طی چند جلسه با دانش آموز و خانواده او دیدار و گفت‌وگو کردند و در حال حاضر ما بدون هیچ تعارفی به‌دنبال کشف حقیقت هستیم.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا آثار ضرب و شتم از سوی مددکاران بهزیستی بر بدن دانش آموز تأیید شده، گفت: همکاران ما به‌دلیل آنکه قصد دارند در ابتدا اعتماد دانش آموز را جلب کنند تا حقیقت بدرستی کشف شود، از بررسی بدنی دانش آموز خودداری کردند. البته خاله این کودک عنوان کرده که چند قسمت از بدن خواهرزاده‌اش کبود شده والدین این کودک فرزندشان را برای طول درمان به پزشکی قانونی برده‌اند.

مدیرکل بهزیستی استان ایلام در جواب این پرسش که شما برای ارائه گزارش به نظر پزشکی قانونی اکتفا می‌کنید یا همکاران شما باید آثار تنبیه را مشاهده و تأیید کنند، اظهار داشت: به‌طور قطع هر آنچه که همکاران ما آن را تأیید کنند در گزارش‌مان ثبت می‌کنیم و نظر پزشکی قانونی ارتباطی با کار ما ندارد و ما گزارش متفک از سایر مجموعه‌ها را

به دادستانی ارائه می‌دهیم و در آنجا راجع و پدرش تأکید داشتند که تنبیه از سوی معلم صورت گرفته اما معلم او در هر مرحله از گفت‌وگو موضوع تنبیه را انکار می‌کرد تا اینکه تیمی ۳ نفره از آموزش و پرورش استان بررسی پرونده را به دست گرفت و در نتیجه تنبیه معلم محرز شد و بزودی این گزارش

سرقت دختر ۱۴ساله از خانه عمه

گروه حوادث/ دختر ۱۴ساله که با اغفال دوست اینستاگرامی‌اش نقشه سرقت از خانه عمه‌اش را اجرا کرده بود، در حالی ناپدید شده که پسر فریبکار مدعی است از سرنوشت او بی‌اطلاع است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل مرد جوانی با مراجعه به پلیس از ناپدید شدن دختر ۱۴ساله‌اش خبر داد و گفت: از وقتی همسرم فوت کرد، رابطه من و دخترم آتوسا نیز به هم خورد. به پیشنهاد خواهرم قرار شد دخترم مدتی با او زندگی کند تا حالش بهتر شود. هنوز چند روزی از رفتن دخترم به خانه عمه‌اش نگذشته بود که خواهرم با من تماس گرفت و از ناپدید شدن آتوسا خبر داد.

در حالی که به دنبال دخترم بودم، خواهرم دوباره تماس گرفت و گفت گوه‌شی تلفن همراهش، ۵ میلیون تومان پول، ۳ سکه عتیقه و طلاهایش سرقت شده که به آتوسا ظنین است. خواهرم گفت آتوسا مدتی است که با پسر بی نام آشنا دوست شده و به احتمال زیاد با همدستی او سرقت و فرار کرده است.

با شکایت پدر آتوسا، به دستور بازپرس محمدرضا صاحب جمعی، دوربین‌های مداربسته اطراف خانه مورد بازبینی قرار گرفت و مشخص شد که آتوسا پس از سرقت سوار خودروی تیبایی می‌شود که سه سر نشین داشته است. با برملا شدن این موضوع، شماره پلاک خودروی تیبیا استعلام و هویت مالک آن به نام رضا شناسایی شد. مأموران به سراغ پسر جوان رفته واومدعی شد که آن روز به درخواست دوستش آرش دختر ۱۴ساله را با خود برده‌اند.

با اطلاعاتی که رضا در اختیار تیم تحقیق قرار داد، کارآگاهان اداره آگاهی وارد عمل شده و آرش را دستگیر کردند.

او گفت: یک سال و نیم قبل با آتوسا در اینستاگرام آشنا شدم. من به او پیشنهاد دادم که از پدرش جدا شود. او به او گفتم پول فراهم کن تا برایت خانه اجاره کنم. آتوسا وضع مالی خوبی داشت و مدام به من پول می‌داد و من هم پول‌ها را خرج تفریح خودم می‌کردم. وقتی او به خانه عمه‌اش رفت و متوجه وضع مالی خوب او شدم، پیشنهاد سرقت از خانه را مطرح کردم.

آرش گفت: بعد از او خواستم چند روزی مخفی شوم. طلاهای سرقتی را به مادر و خاله‌ام دادم و آنها طلاها را فروختند. مقداری از پول طلاها را به آتوسا دادم و به او گفتم زندگی مخفیانه‌ای برای خودش تشکیل دهد. آتوسا هم قبول کرد و با پول‌ها مرا ترک کرد بعد از آن از سرنوشت دختر نوجوان بی اطلاع هستم ونمی‌دانم او به کجا رفته است.

با توجه به اظهارات ضد و نقیض پسر جوان و نامشخص بودن سرنوشت دختر نوجوان، بازپرس شعبه ششم دادسرای امور جنایی پایتخت دستور ادامه تحقیقات در این خصوص را صادر کرد.

مرا کتک زدند. وقتی به بازار میوه و تره بار برگشتم دوستانم که ماجرا را متوجه شدند، همراهم شده تا به سراغ قاتل برویم و تلافی کتکی که خورده بودم را دریاوریم. ساعت حدود ۱۰ شب بود که به پارک رسیدیم و دوباره با قاتل و دوستانش دعوبایمان شد و در این میان قاتل با چاقو به قفسه سینه دوستم که سعی در میانجی‌گری و طرفداری از من داشت، زد.

۱۳ | حوادث

فرودگاه قلعه مرغی - ۲۰

فرار برای دفاع از آبروی خواهر

محمد بلوری/ آنچه گذشت: باراه اندازی نخستین فرودگاه در جنوب شهر تهران، یک هواییمای نظامی در برخورد با کبوتران سرنگون شد و دادگاه‌های نظامی، محاکمه کبوتربازان را آغاز کردند. دختری که با یکی از کارکنان فنی امریکایی در فرودگاه آشنا نشده بود در جریان قرار با او به‌دست ناشناسی به قتل رسید و جسدش را در بیابان پیدا کردند. حیدر برادر این دختر برای حفظ آبروی‌شان با به فرار گذاشت تا خودش را قاتل خواهر نشان دهد و در جریان فرار شبانه وارد یک مقبره در بیابان شد...

درویش (ساکن مقبره)، رو به حیدر کرد و گفت: جوان، من در سیمای تو نشانی از کنه‌کاری نمی‌بینم. چرا فراری هستی؟ حیدر جواب داد: خواهرم که می‌خواست با یک کارشناس امریکایی فرار کند، کشته شده و همه خیال می‌کنند من قاتلش هستم. حالا ژاندارم‌ها دنبالم می‌گردند.

درویش با نگاه خیره به چهره حیدر گفت: تو که قاتل نیستی چرا فراری شده‌ای؟ حکایت چیست پسرم؟ حیدر جواب داد: خواهرم اقدس با یک گروه‌بان خارجی در فرودگاه قرار گذاشته بودند که با هم فرار کنند و به خارج بروند. قرارشان پشت سیم‌خاردهای فرودگاه بود. خواهرم نیمه‌شب با مادرم خداحافظی کرد که برود سرقرارش با گروه‌بان خارجی. من بیدار بودم، حرف‌هایشان را می‌شنیدم. فهمیدم خواهرم از این گروه‌بان آبستن شده. مجبور است با هم فرار کنند. به‌خودم گفتم، این طوری بهتر است چون پیش دوست و دشمن بی‌آبرویی پیش نیمايد. اقدس که از منزل بیرون رفت فکر کردم نکنه این غریبه انگلیسی بلایی به سر خواهرم بیاره بیدار ماندم تا مادرم خوابش ببره. بعد رفتم بی اقدس، پشت حصار طیاره‌ها که رسیدم دیدم جنازه خواهرم افتاده زمین با کار زده بودند به سینه‌اش. درویش آهی کشید و پرسید: کی قاتلش بود؟ حیدر گفت: ندیدم. نفهمیدم کی بوده جوان انگلیسی هم که از راه رسيد بهت‌زده شد. درویش با تعجب پرسید: پس تو چرا فراری شده‌ای پسرم؟ حیدر سرش را پایین انداخت و گفت: می‌خواستم مردم آبادی خیال کنند من قاتلش هستم.

درویش با چهره‌ای غمزده نگاهش کرد و پرسید: آخر چرا خودت را به دام بلا انداختی پسرم؟

حیدر که با شرمساری سرش را میان خیمه زانوهایش خم کرده بود و با سر انگشتش نقش گل گلیم زیر پایش را به بازی گرفته بود، گفت: از بی‌غیرتی ترس داشتم. باید همه خیال می‌کردند که من از سر غیرت خواهرم را کشته‌ام. برای همین دارم فرار می‌کنم.

درویش به دلسوزی و غمخواری سرچربانند و گفت: عجب حکایتی جوان، بی‌گناه تن به جزا دادن معصیت دارد پسرم. تو جوان هستی باید زندگی کنی. هیچ فکر مادر داغ‌دیده ات هستی؟ فکر نمی‌کنی داغ مصیبت دیگری به دلش می‌شیند؟

حیدر خاموش ماند و با سرانگشتش به بازی با نقش گلیم ادامه داد. درویش آه عمیقی کشید و گفت: - دیروقت است پسرم تو که شامت را خوردی، خسته هم هستی بهتر است بخوابی. درویش بلند شد، فانوس روشن را در دست گرفت و با گذشتن یک دالان حیدر را به خوابگاهی که مخصوص زائران و مسافران در راه مانده بود راهنمایی کرد.

■ **ادامه پنجشنبه آینده**

حمله خونین سارقان به یک خبرنگار

گروه حوادث/ خبرنگار کرجی که می‌خواست مانع ارتکاب یک سرقت شود از سوی سارقان مجروح شد.

سرهنگ رنجبرپور معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان البرز در این باره به «ایران» گفت: شامگاه سه‌شنبه علی صابریان دلجوان خبرنگار کرجی حین رفتن به خانه متوجه شد سارقان در حال سرقت یک خودرو هستند.او با حس مسئولیت‌پذیری قصد داشت مانع سرقت شود که دزد خودرو با او درگیر شد. سارق برای فرار اقدام به چاقو کشی کرده و چند ضربه به خبرنگار زد. در همین موقع گشت خودرویی کلانتری مرکزی در محل حضور یافت وسارق دستگیر شد و به سه فقره سرقت اعتراف کرد.

خبرنگار مجروح برای درمان به بیمارستان منتقل شد و با انجام عمل جراحی از مرگ نجات یافت.

سقوط مرموز ۲ دختر

از بالکن طبقه ششم

گروه حوادث/ سقوط مرموز دو دختر نوجوان از بالکن طبقه ششم یک ساختمان در بندرعباس از سوی پلیس بررسی می‌شود.

سرهنگ تیسور دولابری، فرمانده انتظامی بندرعباس در این باره به خبرنگاران گفت: صبح دوشنبه ۱۷ آبان در پی اعلام سانحه سقوط دو دختر ۱۶ و ۱۳ساله از طبقه ششم مجتمع مسکونی یاس بندرعباس، بلافاصله عوامل گشت کلانتری ۱۶ درخت سبز به محل اعلامی اعزام شدند. با حضور عوامل اورژانس و بررسی‌های اولیه کارآگاهان پلیس آگاهی و پس از بررسی صحنه هر دو سانحه دیده توسط عوامل اورژانس به بیمارستان منتقل شدند که بر اثر این حادثه یک نفر از مصدومان فوت کرد و حال نوجوان دیگر نیز وخیم‌گزارش شده و تحت درمان است. فرمانده انتظامی بندرعباس در ادامه گفت: با توجه به اظهارات شاهدین صحنه و بررسی‌های اولیه، تا این لحظه احتمال وقوع هرگونه جنایت و خودکشی متفی است و علت اولیه این سانحه، سهل‌انگاری و نشستن بروی بالکن فاقد حصار ساختمان عنوان می‌شود. اما برای روشن شدن زوایای پنهان این ماجرا گزارش نهایی پس از بررسی‌های تخصصی و ارائه نظریه پزشک قانونی بصورت تکمیلی بزودی اطلاع رسانی خواهد شد.

مرگ ۴ جوینده یشم درغار

گروه حوادث/ یک گروه ۶ نفره که برای یافتن سنگ یشم وارد غاری در نیشابور شده بودند دچار گازگرفتگی شده و ۴ نفر جان باختند.

به‌گزارش خبرگزاری صداوسیما مرکز خراسان رضوی، سرهنگ علیرضا حسینعلی‌زاده ، فرمانده انتظامی شهرستان نیشابور گفت: در پی اعلام مرکز فوریت‌های ۱۱۰ مبنی بر یک حادثه در ارتفاعات روستای چاه نسر بخش میان جلگه شهرستان نیشابور بلافاصله مأموران انتظامی پاسگاه عشق‌آباد به‌همراه مأموران امدادی آتش‌نشانی و هلال احمر به محل اعزام شدند. نخستین بررسی‌ها نشان داد ۴ نفر از این افراد جان باخته و دو نفر مسموم شده‌اند.

سرهنگ حسینعلی‌زاده خاطر‌نشان کرد: اجساد برای اقدامات قانونی به سردخانه انتقال و در این خصوص پرونده تشکیل و ابعاد مختلف این حادثه از سوی کارشناسان در دست بررسی است.

اسماعیل شایبگی رئیس جمعیت هلال احمر نیشابور نیز گفت: پس‌از رسیدن به موقعیت حادثه، با برپایی کارگاه و پس از هفت ساعت عملیات امداد در کوهستان، موفق به نجات دو نفر از این افراد و انتقال آنان به مراکز درمانی شدند. این افراد از موتور برق یزنبنی برای تأمین روشنایی داخل غار استفاده کرده بودند که به علت کمبود اکسیژن و وجود گازهای سمی در غار غار، دچار گازگرفتگی شده و چهار نفر از آنان پیش از حضور امدادگران جان باخته بودند.